

# وقتی مهند

## ویژه لطیفه‌های نوروزی

**تلویزیون**  
 زن به شوهر: امروز تو روزنامه خوندم که تلویزیون مانع مکالمه افراد خانواده میشه،  
 مرد: من که اینو اصلاً قبول ندارم،  
 زن: ولی کسی که مقاله رو نوشته بود...  
 مرد: هیس عزیزم، سریال نوروزی شروع شد!



تنظیم و کاریکاتور: آرش عادل

By: ARASH  
 aadell1353@yahoo.com

### راه حل

مامور قطار که مشغول کنترل بلیط مسافران قطار نوروزی بود بعد از اینکه نگاهی به بلیط خانم مسنی که در کوپه نشسته بود انداخت، گفت:  
 مادر جان شما سوار قطار سریع‌السیر شدین ولی بلیط شما مال قطار عادی، باید اضافه‌قیمت بلیط رو بردازین، مسافر به مأمور: پسر من که به اندازه کافی پول همراهم نیست، حالا نمی‌شه شما به راننده تون بگین یه خورده یواش‌تر بره!!



### شاگرد

جعفر آقا، قناد محله که برای شب عید دنبال شاگرد میگشت به در و دیوار محل این آگهی رو زده بود:  
 " به یک شاگرد و پادوی زرنگ و چشم پاک نیاز مندیم، مبتلایان به مرض قند حق تقدّم دارند! "

### حساب

معلم: رضا بگو ببینم اگه تو عید دیدنی ۱۰ تا شکلات برداشته باشی و بخوای بعد از مهمونی با برادرت بطور مساوی تقسیم کنی به اون چند تا شکلات میدی؟  
 رضا: خانم اجازه، ۳ تا!  
 معلم: ۳ تا؟! ...مگه تو حساب کردن بلد نیستی؟!  
 رضا: چرا خانم، ما بلدیم ولی داداشمون که بلد نیست!...

## مریض نوروزی

مردی در ایام نوروز وارد ساختمان پزشکان شد و به دکتر مراجعه کرد،

دکتر: سال نو شما مبارک پدر جان، ناراحتیتون چیه جانم؟  
مرد: والله آقای دکتر زخم میگه من چشمام احتیاج به عینک داره،

دکتر: صد در صد درست میگه پدر جان!  
پیر مرد با تعجب: شما که هنوز معاینه نکردین، از کجا این حرف رو میزنین؟

دکتر: برای اینکه اینجا مطب «دندانپزشکی» است!!!



## مسافران نوروزی

روز سیزده فروردین پلیس نوروزی جلوی یک راننده را گرفت و با احترام گفت: شما به خاطر اینکه در این ایام هیچ تخلفی نداشته-اید برنده ۱۰۰،۰۰۰ تومان شده اید. حالا با این پول قصد دارید چکار کنید؟

راننده که نیشش تا بنا گوش باز شده بود گفت: "میرم گواهینامه میگیرم سرکار!"

زنش که کنارش نشسته بود گفت: "جدی نگیرید جناب سروان، شوهر من هر وقت اکس مصرف میکنه پرت و پلا میگه!!"

نوجوانی که عقب نشسته بود گفت: "دیدم حالا بابا، چند بار گفتم با ماشین دزدی نریم مسافرت!"

مامور با تعجب به آنها نگاه میکرد که یکی از صندوق عقب داد زد: "هوشنگ جون بالاخره از این مرز زد شدیم یا نه؟!"



## کوتلمکوتله...

چند روز قبل از نوروز

### محرمانه

مدیر عامل به منشی: خانم یک مهر «خیلی محرمانه» به این نامه بزنین چون میخوام همه اونو با دقت بخونن!!!

### بخش

معلم: بیژن بگو ببینم «گرمابه» چند بخشه؟  
بیژن: «خانم اجازه ۲ بخش: مردانه و زنانه!»